

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

منکر ولایت

محروم از سعادت و هدایت

۱۲ آبان ۱۳۸۹

۲۶ ذي القعدة ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾^(۱).

خداوند فقط می خواهد پلیدی [گناه] را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد .

چکیده سخن

در جلسات گذشته به این نتیجه رسیدیم که عالم خلقت و آفرینش، کتاب تکوین خداوند متعال است و همان گونه که در کتاب تشریح الهی، آیات قرآن را مشاهده می کنیم، در کتاب تکوین هم آیات آفاقی و انفسی فراوانی وجود دارد که صاحبان بصیرت می توانند با مشاهده آنها به توحید و یگانگی خداوند متعال یقین پیدا کنند.

همان گونه که آیات تشریح الهی علاوه بر ظاهر قابل فهم برای همگان، دارای باطن و بلکه بطون متعدد است، آیات تکوین هم از بطون و رموزی برخوردار است که در قرآن و وحی الهی از آنها به عالم ملکوت تعبیر شده است؛ یعنی به جز عالم

۱. سورة احزاب، آیه ۳۳.

ملک که با چشم ظاهر برای همگان قابل رؤیت و دیدن است، عالم دیگری به نام عالم ملکوت وجود دارد که همان باطن مخلوقات و موجودات عالم تکوین است. عالم ملکوت نیز برای انسان‌ها قابل مشاهده و رؤیت است؛ اما تنها کسانی می‌توانند به دیدن این عالم موفق بشوند که ابزار دیدن آن را دارا باشند. به عبارت دیگر، همان‌گونه که برای دیدن عالم ملکوت به ابزار (چشم ظاهر) نیاز داریم برای دیدن عالم ملکوت هم باید از ابزار خاصی بهره برد. طبق آیات قرآن، قلب وسیله لازم برای دیدن عالم ملکوت، شمرده شده است؛ از همین رو، یکی از درخواست‌های انبیا و اولیای الهی علیهم‌السلام این بود:

«اللهم أرني الحقائق كما هي»^(۱).

خدایا! حقایق (عالم آفرینش) را همان‌گونه که هستند، به من نشان بده.

ایشان از خداوند متعال درخواست می‌کردند که باطن و حقیقت اشیا و مخلوقات را ببینند.

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نا دیدنی است آن بینی

موانع مشاهده عالم ملکوت

مشاهده عالم ملکوت گر چه ممکن و دست یافتنی است، اما باید مقدمات و شرایط آن را فراهم آورد و موانع آن برطرف شود. برای مشاهده این عالم، موانعی وجود دارد که این موانع عبارتند از:

۱. گناه و معصیت

گناه و معصیت باعث می‌شود انسان چشم دل و بصیرت نداشته باشد و از

۱. عوالی اللثالی، جلد ۴، صفحه ۱۳۲.

دیدن حقایق آفرینش محروم شود.

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^(۱).

چنین نیست [که آنها می‌پندارند] بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشست است.

ران از ریشه «رین» است؛ یعنی دل‌ها و قلب‌ها بر اثر اعمال زشت و گناهایی که از انسان سر می‌زند، زنگار و غبار گرفته و حجابی در مقابل چشم دل قرار می‌گیرد^(۲)؛ در نتیجه توان دیدن عالم ملکوت از انسان سلب می‌شود.

پس اینکه در آیات قرآن کریم، روایات، سخنان بزرگان و علمای اخلاق همواره توصیه و سفارش به تقوا و ترک گناه و عصیان وجود دارد، به دلیل مصون ماندن انسان از آثار سوء و مخرب گناه در نفس لطیف انسان است؛ زیرا تکرار و اصرار بر گناه باعث می‌شود پرده و حجابی روی قلب کشیده شود تا بسیاری از دیدنی‌ها از چشم دل انسان مخفی بماند.

دلیل دیگر این همه سفارش و توصیه، مصون ماندن اجتماع از آثار سوء گناه است؛ گناهایی مانند: شرب خمر، دزدی، تعدی به نوامیس، بد زبانی، زیرپا گذاشتن حقوق دیگران و...؛ علاوه بر آثار نفسانی خطرناکی که در مباشر و اقدام کننده به آنها بر جای می‌گذارد، اجتماع را دگرگون و نا امن می‌سازد.

اکنون برای روشن تر شدن آثار سوء گناه، روایاتی از حضرات اهل بیت علیهم‌السلام نقل می‌نماییم.

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

۱. سوره مطفقین، آیه ۱۴.

۲. لسان العرب، جلد ۱۳، صفحه ۱۹۲.

« إذا أذنب الرجل خرج في قلبه نكتة سوداء ، فإن تاب انمحت وإن زاد زادت حتى تغلب على قلبه ، فلن يفلح بعدها أبداً »^(۱) .

وقتی انسان گناهی مرتکب شود ، نقطه سیاهی در قلب او پدیدار می گردد ، اگر از آن گناه توبه کند آن نقطه سیاه پاک می شود و از بین می رود ؛ اما اگر برگناه خود بیفزاید آن نقطه سیاه هم بزرگ تر می شود تا جایی که تمام قلب او را می پوشاند ؛ در این صورت چنین انسانی دیگر روی رستگاری را نخواهد دید .

رسول خدا ﷺ می فرماید :

« إن الإيمان ليبدو لمعة بيضاء فإذا عمل العبد الصالحات ، نما وزاد حتى يبيض القلب كله »^(۲) .

آغاز ایمان با پدیدار شدن یک نقطه سفید در قلب است . اگر بنده عمل صالح و شایسته انجام بدهد رشد می کند و زیاد می شود تا تمام قلبش سفید شود .

حضرت امام باقر عليه السلام می فرماید^(۳) :

« ما من عبد إلا وفي قلبه نكتة بيضاء ، فإذا أذنب ذنباً خرج في تلك النكتة نكتة سوداء ، فإن تاب ذهب ذلك السوداء وإن تمادى في الذنوب ، زاد ذلك السواد حتى يغطي البياض ، فإذا غطى البياض لم يرجع صاحبه إلى خير أبداً وهو قول الله عز وجل ﴿ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴾ »^(۴) .

۱. کافی ، جلد ۲ ، صفحه ۲۷۱ ؛ بحار الأنوار ، جلد ۷۰ ، صفحه ۳۲۷ .

۲. المحجة البيضاء ، جلد ۱ ، صفحه ۲۷۷ .

۳. مرحوم کلینی این روایت را به سند صحیح تا زراره نقل کرده است .

۴. تفسیر نور الثقلین ، جلد ۵ ، صفحه ۵۳۱ .

هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه در قلب او نقطه سفیدی است، اگر گناهی مرتکب شود نقطه سیاهی در آن نقطه سفید پدیدار می‌شود و اگر از گناه توبه کند، آن سیاهی از بین می‌رود؛ اما اگر به گناهان خود ادامه دهد، آن سیاهی افزایش می‌یابد تا تمام سفیدی قلب را می‌پوشاند و اگر تمام قلب سیاه شد، صاحب چنین قلبی هرگز به خیر و رستگاری نمی‌رسد و این همان تفسیر سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: «چنین نیست [که آنها می‌پندارند] بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است».

۲. غفلت و انکار آیات الهی

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند موجب کوری قلب و چشم دل گردد و توان دیدن عالم ملکوت را از انسان بگیرد، غفلت از آیات خداوند متعال یا انکار آنها است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنذِرْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾^(۱).

و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم؛ ولی [در پایان] خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد و از گمراهان شد.

خداوند متعال در ادامه، در بیان عاقبت سوء و بدکسانی که از آیات الهی روی برگرداندند و به آنها توجه نکردند و دنبال شیطان و هوای نفس خویش رفتند می‌فرماید:

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۵.

﴿سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ﴾^(۱).

چه بد مثلی دارند گروهی که آیات ما را تکذیب کردند و تنها به خودشان ستم نمودند!

سپس در بیان خصوصیات و مشخصات آنها می‌فرماید:

﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾^(۲).

آنها دل‌ها (عقل‌ها) بی‌داند که با آن [اندیشه نمی‌کنند و] نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آنها همچون چهار پایان‌اند؛ بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند.

دلیل اینکه خداوند متعال در این آیه، منکران و روی گردانان از آیات الهی را از چهار پایان گمراه‌تر می‌داند، آن است که این افراد با وجود برخورداری از تمامی امکانات (قلب، گوش، چشم و...) به بیراهه رفته‌اند و از شعور، درک، تفکر و تعقل در آیات الهی سرباز می‌زدند، برخلاف چهار پایان که اگر درک و شعوری ندارند به این خاطر است که خداوند متعال قدرت تفکر و تعقل را در وجود آنها قرار نداده است.

اگر انسان نابینایی در گودالی سقوط کند، هیچ کس او را ملامت نمی‌کند؛ چون او از نعمت چشم محروم است؛ اما اگر چنین اتفاقی برای یک انسان بینا رخ بدهد، جای ملامت و سرزنش او وجود خواهد داشت و از او پرسیده می‌شود که چرا با وجود داشتن نعمت بینایی و چشم، در گودال سقوط کردی؟!

۱. همان، آیه ۱۷۷.

۲. همان، آیه ۱۷۹.

کور در چاه افتد معذور است

عذرش این است که چشمش کور است

اگر انسان با وجود تمام امکاناتی که در اختیار دارد به تفکر و تعقل و همچنین درک و شعور نسبت به حقایق اقدام نکند، از حیوان گمراه‌تر و سزاوار سرزنش است.

۳. کفر و انکار مبدأ متعال

عامل دیگری که مانند پرده و پوشش در مقابل چشم دل و باطن قرار می‌گیرد و مانع از مشاهده حقایق عالم ملکوت و دریافت اسرار و رموز آن عالم می‌شود، کفر نسبت به خداوند متعال و انکار مبدأ برای جهان هستی است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَكِنَّ مَن شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^(۱).

[آری!] آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آنها است و عذاب عظیمی در انتظارشان است!

سپس در بیان حالات این افراد و عاقبت آنها می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ * لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿^(۲).

آنها کسانی هستند که [بر اثر فزونی گناه] خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده [به همین دلیل نمی‌فهمند] و غافلان واقعی همان‌ها هستند و ناچار آنها در آخرت زیانکارند.

۱. سوره نحل، آیه ۱۰۶.

۲. همان، آیه ۱۰۸-۱۰۹.

همچنین این افراد مورد لعن و نفرین خداوند متعال قرار می‌گیرند.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا﴾^(۱).

خداوند کافران را لعن کرده [و از رحمت خود دور داشته] و برای

آنان آتش سوزاننده‌ای آماده نموده است!

۴. پیمان شکنی

عامل دیگری که نمی‌گذارد حقیقت اشیا برای انسان هویدا و آشکار گردد و عالم ملکوت را ببیند، شکستن و نقض پیمان‌های الهی است. خداوند متعال در آیه ذیل، بنی اسرائیل را به دلیل اینکه پیمان و عهد خود را با حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام شکستند، لعن کرده است^(۲).

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ
عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾^(۳).

ولی به خاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم، سخنان [خدا] را از موردش تحریف می‌کنند.

۵. قتل و تعدی به جان انسان‌ها

کسی که از روی عمد جان انسانی را می‌گیرد و او را از نعمت حیات و زندگی

۱. سوره احزاب، آیه ۶۴.

۲. با مراجعه به معجم المفهرس قرآن کریم می‌توان آیاتی را که کلمه لعن در آنها آمده است پیدا نمود. طبعاً عواملی که باعث می‌شوند بعضی از افراد مورد لعن و نفرین الهی قرار بگیرند، موجب می‌شوند چشم دل و بصیرت انسان کور شود و قدرت دیدن عالم ملکوت را از انسان سلب می‌کنند.

۳. سوره مائده، آیه ۱۳.

محروم می‌کند، شایسته لعن و نفرین و غضب خداوند متعال است و چنین فردی هرگز سعادت دیدن عالم ملکوت و حقیقت اشیا و مخلوقات را کسب نخواهد کرد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾^(۱).

و هر کس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ درحالی که جاودانه در آن می‌ماند و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمتش دور می‌سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

۶. کتمان آیات الهی

گروه دیگری که در قرآن کریم مورد لعن و نفرین الهی قرار گرفته و از دیدن عالم ملکوت محروم گشته‌اند، عالمان و دانشمندانی هستند که علم و دانش خود را کتمان می‌کنند و برای مردم بیان نمی‌کنند^(۲).

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾^(۳).

کسانی که دلایل روشن و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند و همه لعن کنندگان نیز بر آنها لعن می‌فرستند.

۱. سوره نساء، آیه ۹۳.

۲. این نکته برای طلاب و فضایی که در حوزه تحصیل کرده و به مراتبی از علم و تقوا رسیده‌اند، ولی به نشر علم خود - که همان زکات آن است - نمی‌پردازند، قابل توجه است.

۳. سوره بقره، آیه ۱۵۹.

نقل می‌کنند: یکی از مراجع تقلید در مناسبت‌ها و ایام تبلیغی به روستای محل تولد خود مراجعت می‌نمود و در مسجد آنجا به اقامه نماز جماعت و ارشاد و موعظه مردم می‌پرداخت. عده‌ای بر ایشان خرده می‌گرفتند که شما با این موقعیت علمی و تدریس در حوزه لازم نیست به این کارها بپردازید. ایشان فرموده بودند: می‌ترسم این آیه شامل حال من بشود و خدا مرا در روز قیامت مورد بازخواست قرار بدهد.

۷. تباهی و فساد در زمین

کسانی که در زمین فساد و تباهی می‌کنند، جزو لعنت شدگان الهی و محرومان از مشاهده عالم ملکوت هستند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ ﴾^(۱).

اگر [از این دستورها] روی گردان شوید، آیا جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوش‌هایشان را کر و چشم‌هایشان را کور کرده است.

در مباحث گذشته گفته‌ایم که مفسدان و ملعونان مذکور در این آیه، همان خلفای سه گانه و همراهان آنها هستند، همان‌هایی که از جنگ‌ها فرار نموده، در بحبوحه جنگ پیامبر ﷺ را میان دشمن‌ها کردند و گریختند^(۲) و حتی در

۱. سوره محمد، آیه ۲۲-۲۳.

۲. از منابع اهل سنت: تفسیر رازی، جلد ۹، صفحه ۵۲؛ الدر المنثور، جلد ۲، صفحه ۱۵۷؛ جامع البیان، جلد ۳، صفحه ۱۴۴؛ مستدرک حکم، جلد ۳، صفحه ۴۲.

غزوه تبوک تصمیم گرفتند پیامبر ﷺ را به قتل برسانند^(۱).

خداوند متعال آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد و از آنها می‌پرسد که آیا بعد از روی گردانی از فرمان خدا و فساد در روی زمین و قطع رحم، باز هم امید نجات دارید؟ خداوند در این آیات به گونه‌ای با آنها سخن گفت که بیم داشتند در آیات بعد صراحتاً نام آنها را ذکر کند و ابروی آنها را در جامعه بریزد و نتوانند نقشه‌های خود را اجرا کنند.

پوشیده نماند یکی از وجوهی که در بیان مراد از تولی و روی گردانی آمده، رسیدن به حکومت و قدرت است؛ به این معنی که آیا آرزو و هوی و هوس شما این است که به حکومت برسید و در روی زمین فساد و قطع رحم کنید؟ دلیل آن هم این است که کسی می‌تواند در زمین فساد کند و در امور مردم اخلال ایجاد نماید که در یکی از زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... دارای نفوذ و قدرت باشد و انسان‌های معمولی نمی‌توانند مفسد فی الارض باشند^(۲).

۸. دنیا خواهی، مانع بصیرت

عامل دیگری که مانع بصیرت انسان است و او را از دریافت حق باز می‌دارد، دنیا خواهی و دوست داشتن دنیا است.

دنیا خواهی از اموری است که در آموزه‌های اسلام بسیار نکوهش شده و ریشه‌ی تمامی خطاها و لغزش‌ها و عامل اصلی اختلاف‌ها و کینه ورزی‌ها شمرده شده است.

۱. از منابع اهل سنت: المحلی، جلد ۱۱، صفحه ۲۲۴؛ برای آگاهی بیشتر از این مطلب ر.ک:

سیری در آیات ولایت و امامت، جلد ۲، صفحه ۸۷.

۲. تفسیر المیزان، جلد ۱۸، صفحه ۲۴۰؛ از منابع اهل سنت: تفسیر ثعلبی، جلد ۹، صفحه

۳۵؛ تفسیر سمعانی، جلد ۵، صفحه ۱۸۱؛ تفسیر قرطبی، جلد ۱۶، صفحه ۲۴۵.

کسی که به دنیا وابستگی شدید دارد و در نعمت‌ها و زرق و برق‌های آن غرق شده و دنیا را خدای خویش قرار داده، در وادی سراسر تاریکی و وحشت گام نهاده و از تشخیص راه هدایت درمانده است؛ در نتیجه سعادت دنیا و آخرت خود را از دست خواهد داد.

اینک چند مورد از روایاتی را که به این حقیقت اشاره دارند، بیان می‌نماییم:

۱. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خویش به فرزندشان حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، حقیقت دنیا و اهل آن را، معرفی و روشن می‌نماید.

این نامه، وصیت‌های حضرت علیه السلام به حضرت امام مجتبی علیه السلام است؛ اما در واقع روی سخن به تمامی انسان‌ها - به خصوص شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام - است. جملات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این نامه از اوج فصاحت، بلاغت و شیوایی برخوردار است و مثال‌ها و تشبیه‌های شگرف آن بر زیبایی‌اش افزوده است.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در فرازی از این نامه می‌فرماید:

«إِيَّاكَ أَنْ تَعْتَرَّ بِمَاتَرِي مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا وَتَكَالِبُهُمْ عَلَيْهَا فَقَدْ نَبَأَكَ اللَّهُ عَنْهَا وَنَعْتَتْ لَكَ نَفْسَهَا وَنَعْتِ هِيَ لَكَ عَنْ نَفْسِهَا وَتَكَشَّفَتْ لَكَ عَنْ مَسَاوِيهَا فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَةٌ وَسِبَاعٌ ضَارِيَةٌ يَهْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَيَأْكُلُ عَزِيْزُهَا ذَلِيْلَهَا وَيَقْهَرُ كَبِيْرُهَا صَغِيْرَهَا نَعْمَ مَعْقَلَةٌ وَأُخْرَى مَهْمَلَةٌ قَدْ أَضَلَّتْ عَقُولُهَا وَرَكِبَتْ مَجْهُولُهَا سُرُوحَ عَاهَةِ بَوَادٍ وَعَثَّ لَيْسَ لَهَا رَاعٌ يَقِيْمُهَا وَلَا مَسِيْمٌ يَسِيْمُهَا سَلَكَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيْقَ الْعَمَى وَأَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنِ مَنَارِ الْهُدَى فَتَاهُوا فِي حِيْرَتِهَا وَغَرَقُوا فِي نَعْمَتِهَا وَاتَّخَذُوا رَبًّا فَلَعِبَتْ بِهِمْ وَلَعِبُوا بِهَا وَنَسُوا مَا وَرَاءَهَا»^(۱).

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

مبادا دل‌بستگی فراوان دنیاپرستان و تهاجم حریصانه آنان به دنیا، تو را مغرور کند؛ چرا که خداوند تو را از حالات دنیا آگاه کرده و دنیا نیز از وضع خود، تو را خبر داده و از زشتی‌های روزگار پرده برداشته است. همانا دنیاپرستان چونان سگ‌های درنده، عوعو کنان برای دریدن صید در شتاب‌اند، برخی به برخی دیگر هجوم می‌آورند و نیرومندان ناتوان را می‌خورد و بزرگ‌ترها کوچک‌ترها را، یا چونان شترانی هستند که برخی از آنها پای بسته و برخی دیگر در بیابان رها شده‌اند که راه را گم کرده و در جاده‌های نامعلومی در حرکت‌اند و در وادی پراز آفت و در شنزاری که حرکت با کندی صورت می‌گیرد گرفتارند؛ نه چوپانی دارد که به کارشان برسد و نه چراننده‌ای که به چراگاهشان ببرد. دنیا آنها را به راه کوری کشاند و دیدگان‌شان را از چراغ هدایت بیوشاند. در بیراهه سرگردان و در نعمت‌ها غرق شده‌اند که نعمت‌ها را پروردگار خویش قرار دادند، هم دنیا آنها را به بازی گرفته و هم آنها با دنیا به بازی پرداخته و آخرت را فراموش کرده‌اند.

واژه «تکالب» از ماده «کلب» به حالتی از سگ اطلاق می‌شود که به علت ابتلا به بیماری هاری، حالت طبیعی خود را از دست داده، به طرف هر موجود و جبنده‌ای حمله می‌برد^(۱).

سگ در حالت طبیعی موجود با وفا و با ارزشی است و فایده‌های بسیاری همچون: پاسبانی از گله، خانه و باغ دارد.

۱. لسان العرب، جلد ۱، صفحه ۷۲۴.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، اهل دنیا و اهمیت دادن آنان به امور دنیوی را به سگ هاری تشبیه می‌کنند که به خاطر دنیا و منافع آن، بسیاری از ارزش‌ها و احترام‌ها را زیر پا می‌نهند و به همدیگر حمله برده، بر سر هم می‌جهند.

واژه «معقّلة» نیز در مورد شترهایی به کار می‌رود که دست و پای آنها با عقال (بند) بسته شده است تا حرکت نکنند و در یک جا بمانند^(۱). عده‌ای از اهل دنیا مانند شترهایی که دست و پای آنها بسته شده و نمی‌توان از آنها نفع برد، بی‌فایده هستند و نفعی به خود و دیگران نمی‌رسانند.

اهل دنیا به دلیل منفعت‌طلبی و دنیا خواهی از منار الهدی (اهل بیت علیهم السلام) دوری می‌گزینند و به سخنان ایشان علیهم السلام جامه عمل نمی‌پوشانند.

۲. حضرت امام صادق علیه السلام در مورد آثار اخروی پیروی از هوای نفس و دنیاخواهی فرمودند:

«من آثر الدنيا على الآخرة حشره الله يوم القيامة أعمى»^(۲).

هر کس دنباله رو دنیا باشد، خداوند او را در قیامت، کور محسور می‌کند.

۳. خداوند متعال در قرآن کریم درباره نابینایی و ناشنوایی اهل دنیا در تشخیص واقعیت‌ها می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِنَ الْمَكَانِ بَعِيدٍ﴾^(۳).

کسانی که ایمان نمی‌آورند، گوش هایشان سنگین است؛ گویی

۱. همان، جلد ۱۱، صفحه ۴۵۹.

۲. بحار الأنوار، جلد ۷، صفحه ۲۱۸؛ تفسیر فرات الکوفی، صفحه ۱۱۵.

۳. سوره فصلت، آیه ۴۴.

نابینا هستند و آن را نمی بینند. آنها همچون کسانی هستند که از راه دور صدا زده می شوند.

۴. تأثیر منفی دوستی و محبت دنیا در بصیرت انسان و پایداری او در حق، هنگام بلاها و آزمایش‌ها روشن تر است.

در این باره به یک جریان تاریخی اشاره می کنیم:
أبوسهل بن مالک از پدرش نقل می کند:

«إني لواقف مع المغيرة بن شعبة عند نهوض علي بن أبي طالب عليه السلام من المدينة إلى البصرة إذ أقبل عمار بن ياسر، فقال له: هل لك في الله عز وجل يا مغيرة؟ فقال: وأين هو يا عمار؟ قال: تدخل في هذه الدعوة فتلحق بمن سبقك وتسود من خلفك. فقال له المغيرة: أو خير من ذلك يا أبا اليقظان؟ قال عمار: وما هو؟ قال: ندخل بيوتنا ونغلق علينا أبوابنا حتى يضيء لنا الأمر، فنخرج ونحن مبصرون ولا نكون كقاطع السلسلة أراد الضحك فوقع في الغم^(۱) فقال له عمار: هيهات هيهات! أجهل بعد علم وعمى بعد استبصار ولكن اسمع قولي فوالله! لن تراني إلا في الرّيعيل الأوّل. قال: فطلع عليهما أمير المؤمنين عليه السلام؛ فقال: يا أبا اليقظان! ما يقول لك الأعور؟! فأنه والله! دائماً يلبس الحق بالباطل ويموه فيه ولن يتعلّق من الدّين إلا بما يوافق الدّنيا. ويحك يا مغيرة! إنّها دعوة تسوق من يدخل فيها إلى الجتّة^(۲)».

۱. یکی از مثال‌ها در زبان عرب است و در جایی به کار می رود که فردی برای نجات جان شخصی که به چاله آبی می افتد، زنجیر را پاره می کند. و خود از آن طرف به دریا می افتد. در مثال فارسی: «از چاله در آمدن و به چاه افتادن».

۲. بحار الأنوار، جلد ۳۲، صفحه ۱۲۵؛ امالی شیخ مفید، صفحه ۲۱۸.

هنگامی که علی بن ابی طالب علیه السلام از مدینه به سوی بصره [برای جنگ جمل] روانه شدند، من کنار مغیره بن شعبه ایستاده بودم که عمار بن یاسر پیش آمد و به او گفت: ای مغیره! آیا میل و گرایش به خدا عزوجل داری؟ مغیره گفت: کجا برایم چنین چیزی است ای عمار؟! عمار گفت: در این دعوت (فرا خواندن به سوی جهاد با ناکثین در جنگ جمل) داخل شو تا به گذشتگان بررسی و بر آیندگان سروری پیدا کنی. مغیره گفت: ای ابا الیقظان! کار بهتری هست؟ عمار گفت: آن چیست؟ گفت: به خانه می رویم و درها را به روی خود می بندیم تا حقیقت بر ما روشن شود، سپس با روشنی و آگاهی بیرون می شویم و مانند زور آزمایی نباشیم که بخواهد با پاره کردن زنجیری، خنده ای برانگیزاند ولیکن به غم و اندوه گرفتار آید. عمار گفت: هرگز هرگز! آیا نادانی پس از دانایی و کوری پس از بینایی را برگزینیم؟! گوش به حرف من ده، به خدا سوگند مرا نبینی جز در صف اول! امیرالمؤمنین علیه السلام از جریان آن دو با خبر شدند و فرمودند: ای ابا الیقظان! این اعور (دوبین و یک چشم) به تو چه می گوید؟ به خدا سوگند! او پیوسته کوشش می کند که حق را به باطل بپوشاند و آن را وارونه و غیر واقع جلوه دهد و به چیزی از دین نیاویزد مگر که موافق دنیا باشد، ای مغیره! وای بر تو، این دعوتی است که هر کس را که با آن همراهی کند، به سوی بهشت می راند.

دو نکته بسیار مهم از این جریان و سخنان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد مغیره به دست می آید که برای مسلمانان، مؤمنان، شیعیان و مدعیان دوستی

اهل بیت علیهم السلام آموزنده و قابل توجه است :

الف - شخصیت مغیره بن شعبه

موضع‌گیری مغیره در مورد جنگ جمل و بهانه تراشی او برای فرار از جبهه حق ، همچنین سخنان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ، روشن می‌کند که مغیره فردی دنیا طلب است و دین را پوششی برای خواسته‌های دنیوی خود قرار داده و پیشه‌اش مکر ، حيله ، نفاق و تزویر است . او پناهگاه و مفتی ابوبکر بود . هر زمانی که ابوبکر [به خاطر بی سوادی اش] در مسئله‌ای درمانده می‌شد ، از مغیره گدایی علم می‌نمود .

ابوبکر ، مغیره و طرفداران او نمونه‌های بارز مفسدان فی الارض و سردمداران کفر بودند و کیسه اعمال آنها از ردائل گوناگون پر است . جای بسی تعجب است که با این همه گناه و آلودگی ، سنگ پیروی و طرفداری از دین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را به سینه می‌زنند ؛ درحالی که از هیچ اقدامی برای آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان علیهم السلام فروگذار نمی‌کردند . آنها از همان آغاز ، راه انحراف را پیمودند و به حق می‌توان گفت که اینان از مصداق‌های بارز آیه زیر هستند که در این رابطه ، جامع‌ترین آیه به شمار می‌رود :

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا﴾^(۱) .

آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند ، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است .

حضرت امام امیرالمؤمنین علیه السلام بخشی از این آزارها از جمله قطع رحم قریش

را در یکی از خطبه‌های خود، بیان نموده و درد دل خود را اظهار کرده‌اند^(۱).

ب- دین یا دنیا؟

بسیاری از مردم هنگام طوفان بلاها و هجوم امواج دشواری‌ها و سختی‌ها، ریشه‌های دینداری و دینمداری شان سست شده، از تشخیص حق و یاری آن باز می‌مانند. حضرت سید الشهداء علیه السلام در جریان عاشورا، در مورد مردمی که جبهه حق را خالی گذاشتند و از یاری ایشان علیه السلام دوری گزیدند، می‌فرمایند:

«الناس عبید الدنیا والدین لعق علی ألسنتهم، یحوظون ما درّت به معایشهم فإذا محصّوا بالبلاء قلّ الدیانون»^(۲).

مردم بنده دنیا هستند و دین، بازی زبان‌هایشان است. مردم تا جایی با دین و همراه آن هستند که زندگی و معیشت آنان تأمین باشد. زمانی که با بلاها آزمایش شوند، دینداران کم می‌شوند.

منظور از روایت فوق، شیعیان اهل بیت علیهم السلام و عزاداران حضرت سید الشهداء علیه السلام، نیستند؛ زیرا آنان، از هیچ اقدامی برای اقامه عزای اهل بیت علیهم السلام فروگذار نمی‌کنند و حتی از زندگی و جان خود در راه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌گذرند و نشان می‌دهند که ادعای دینداری و پیروی از اهل بیت علیهم السلام فقط بر زبان آنها جاری نیست، بلکه عزادار و پیرو واقعی اهل بیت علیهم السلام هستند.

۵. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«لحبّ الدنیا، صمت الأسماع عن سماع الحکمة و عمیت القلوب عن نور البصیرة»^(۳).

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۴، صفحه ۱۹۵.

۳. غرر الحکم، حدیث ۴۸۷۸؛ عیون الحکم والمواعظ، صفحه ۴۰۴.

دل‌بستگی و محبت به دنیا‌گوش‌ها را از شنیدن سخنان حکیمانه و دل‌ها را از دریافت نور و روشنایی بصیرت و آگاهی، کور می‌کند.

۶. حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

« حُبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ »^(۱).

سرچشمه تمام گناهان و خطاها، دوستی دنیا است.

۹. حق‌گریزی

یکی دیگر از عوامل انحراف از مسیر درست و عدم آگاهی و بصیرت این است که انسان از شنیدن حق‌گریزان باشد و از قبول کردن آن فرار کند.

روایات متعددی وجود دارد که علت عدم پذیرش ولایت حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام را در سنگین بودن قبول حق برای عده‌ای می‌داند. به چند مورد از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱. در روایتی آمده است:

« سَأَلَ الْمَأْمُونُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا﴾^(۲) فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ غِطَاءَ الْعَيْنِ لَا يَمْنَعُ مِنَ الذِّكْرِ وَالذِّكْرَ لَا يَرَى بِالْعَيُونِ وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ شَبَّهَ الْكَافِرِينَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعَمِيَانِ لِأَنََّّهُمْ كَانُوا يَسْتَنْقِلُونَ قَوْلَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهِ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا فَقَالَ الْمَأْمُونُ: فَرَجَّتْ عَنِّي فَرَجَ اللَّهِ عَنكَ »^(۳).

۱. کافی، جلد ۱۲، صفحه ۱۳۱؛ بحار الأنوار، جلد ۵۱، صفحه ۲۵۸؛ وسایل الشیعة، جلد ۱۶، صفحه ۹.

۲. سوره کهف، آیه ۱۰۱.

۳. بحار الأنوار، جلد ۵، صفحه ۴۰؛ الاحتجاج، جلد ۲، صفحه ۱۹۶؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، جلد ۲، صفحه ۱۲۴.

مأمون از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره سخن خداوند عزوجل: «همان‌ها که پرده‌ای چشمشان را از یاد من پوشانده بود و قدرت شنوایی نداشتند» سؤال کرد. حضرت علیه السلام فرمودند: پوشش چشم از ذکر منع نمی‌کند و ذکر به چشم‌ها دیده نمی‌شود؛ اما خدای عزوجل کسانی را که به ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام کافر شده‌اند به انسان‌های کور تشبیه فرموده است؛ زیرا آنان گفتار پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را در شأن ایشان علیه السلام گران می‌شمردند و نمی‌توانستند آن را بشنوند. مأمون گفت: عقده دلم را باز کردی؛ خداوند تو را همیشه نجات دهد.

۲. درباره شأن نزول آیه

﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾^(۱)

تقاضاکننده‌ای، تقاضای عذابی کرد که واقع شد

از سفیان بن عیینه^(۲) پرسیدند، او در پاسخ گفت:

«لقد سألتني عن مسألة ما سألتني عنها أحد قبلك . حدثني أبي عن جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام قال : لما كان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بغدير خم ، نادى الناس فاجتمعوا فأخذ بيدي علي عليه السلام فقال : « من كنت مولاه فعلي مولاه » فشاع ذلك وطار في البلاد فبلغ ذلك الحارث بن النعمان الفهري فأتى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم على ناقة له حتى أتى الأبطح فنزل عن ناقته فأناخها وعقلها ثم أتى النبي صلی الله علیه و آله و سلم وهو في ملا من أصحابه ،

۱. سوره معارج، آیه ۱.

۲. او کوفی بود ولی در مکه زندگی می‌کرد و از اصحاب حضرت امام صادق علیه السلام محسوب می‌شود. (تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۳۹)

فقال : يا محمد ! أمرتنا عن الله أن نشهد أن لا إله إلا الله وأنتك محمد رسول الله ، فقبلناه منك وأمرتنا أن نصلّي خمساً فقبلناه منك وأمرتنا بالزكاة فقبلناه منك وأمرتنا أن نصوم شهراً فقبلناه منك وأمرتنا أن نحج البيت فقبلناه منك ثم لم ترض بهذا حتى رفعت بضبعي ابن عمك ففضلته علينا وقلت : من كنت مولاه فعليّ مولاه ، فهذا شيء منك أم من الله ؟ فقال ﷺ : والذي نفسي بيده ولا إله إلا هو إنّه من أمر الله . فوّلني الحارث بن النعمان إلى راحلته وهو يقول : اللهم إن كان ما يقول محمّد حقاً ، فأمطر علينا حجارةً من السماء أو ائتنا بعذاب أليم . فما وصل إليها حتى رماه الله بحجر فسقط على هامته وخرج من دبره فقتله ، فأنزل الله تعالى : ﴿ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ * مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴾ (۱) « (۲) .

مسئله‌ای از من پرسیدی که تاکنون کسی آن را از من پرسیده بود . پدرم از جعفر بن محمد علیه السلام از پدران شان علیهم السلام روایت کرد : هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم بودند ، دستور دادند تمام مردم اجتماع کنند ، پس وقتی همه جمع شدند دست علی علیه السلام را گرفتند و فرمودند : هر کس من مولای او بودم ، علی مولای او است . این خبر به زودی پخش شد و به همه شهرها رسید پس « حارث بن نعمان فهری » نیز اطلاع یافت ، پس نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفت ، در حالی که بر ناقه‌ای سوار بود ، ناقه را

۱. سوره معارج ، آیه ۳-۱ .

۲. الغدير ، جلد ۱ ، صفحه ۲۴۵ ؛ از منابع اهل سنت : مسند احمد بن حنبل ، جلد ۳ ، صفحه ۴۵۹ . تفسیر ثعلبی ، جلد ۱۰ ، صفحه ۳۵ .

خوابانید و از آن پیاده شد و زانوی شتر را بست، سپس نزد پیامبر ﷺ رفت و گفت: ای محمد! از طرف خدا به ما دستور دادی شهادت دهیم که جز خدا معبودی نیست و اینکه تو فرستاده اوئی، ما هم قبول کردیم، دستور دادی که نماز پنجگانه بخوانیم پذیرفتیم، دستور دادی زکات بدهیم باز از تو پذیرفتیم، دستور دادی ماه رمضان را روزه بگیریم، پذیرفتیم، دستور دادی حج کنیم، پذیرفتیم؛ به این مقدار راضی نشدی تا این که بازوان پسر عمویت را گرفته، بلند کردی تا او را بر ما برتری دهی و گفتی: هر کس من مولای او بودم، علی مولای او است! آیا این سخن را از خودت گفتی یا از جانب خدای عزوجل؟ رسول خدا ﷺ فرمودند: به آن خدایی که جز او معبودی نیست، این مطلب جز از ناحیه خدا نبود، پس حارث پشت کرد و به طرف مرکب خود رفت، در حالی که می گفت: بارالها! اگر اینکه محمد ﷺ می گوید حق است، از آسمان سنگی بر ما بباران یا عذابی دردناک بر ما بفرست؛ هنوز به ناچه خود نرسیده بود که خداوند سنگی از آسمان به سرش زد که از پایین او خارج شد و درجا مرد و بلافاصله این آیه نازل شد: «تقاضا کننده ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد این عذاب مخصوص کافران است و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند، از سوی خداوند ذی المعارج (خداوندی که فرشتگانش بر آسمانها صعود و عروج می کنند).

براساس این روایت، می توان بر کسانی که منکر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هستند کافر اطلاق کرد؛ زیرا حارث بن نعمان فردی مسلمان و

موحد بود و نبوت و فروع دین را قبول داشت؛ اما به علت انکار ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، قرآن کریم در مورد او کلمه «کافر» را به کار برده است.
۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«من کذب علینا أهل البيت، حشره الله يوم القيامة أعمى یهودياً وإن أدرك الدجال آمن به في قبره»^(۱).

هر که بر ما اهل بیت علیهم السلام دروغ بندد [ولایت ما را تکذیب کند] خداوند او را در قیامت به صورت کور و یهودی محشور خواهد کرد [و در آستانه ظهور] چون دجال را درک کند به او ایمان خواهد آورد.

محشور شدن این گونه افراد در قیامت به صورت یهودیانی که به موسی علیه السلام ایمان نیاوردند و ایمان آوردن آنها به دجال در آخر الزمان، نشانه نهایت خبثت درونی این افراد است.

۴. ابن عباس در تفسیر آیه:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾^(۲).

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و در روز قیامت او را نابینا محشور خواهیم کرد.

۱. بحار الأنوار، جلد ۲، صفحه ۱۶۵؛ أعيان الشيعة، جلد ۷، صفحه ۲۶۵.

۲. سوره طه، آیه ۱۲۴.

می‌گوید :

« من ترك ولاية عليّ عليه السلام أعماه الله وأصمه عن الهدى »^(۱).

هر کس ولایت علی عليه السلام را قبول نکند، خداوند او را نسبت به دریافت و شناخت راه هدایت و سعادت نابینا و ناشنوا می‌کند. بنابر این انکار ولایت حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام مانع از بصیرت و رؤیت ملکوت و حقایق عالم آفرینش و هستی است.

خدایا! ما را با ولایت حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام زنده بدار و بمیران. خدایا! ما

را با ولایت محشور نما و در سایه ولایت به بهشت جاویدان وارد نما.

« السّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۵، صفحه ۴۰۳؛ مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۲، صفحه ۲۹۳.

خودآزمایی

- ① موانع مشاهده عالم ملکوت کدام‌اند؟
- ② دلیل توصیه قرآن، روایات و بزرگان علم اخلاق به تقوا و ترک گناه را بیان کنید.
- ③ یکی از معانی روی گردانی از دستورات الهی چیست؟
- ④ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف دنیا پرستان از چه تشبیهی استفاده کرده‌اند؟
- ⑤ منظور از «منار الهدی» (چراغ هدایت) در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام کدام است؟
- ⑥ به فرموده حضرت امام سجّاد علیه السلام سرچشمه تمام خطاها و گناهان چیست؟
- ⑦ حضرت امام رضا علیه السلام چه کسانی را کور و نابینا دانسته‌اند؟ چرا؟
- ⑧ منظور از سائل (تقاضاکننده) در آیه یکم سوره معارج چیست؟ عاقبت او چگونه بود؟
- ⑨ آیا می‌توان انکار کنندگان ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را کافر خواند؟ چرا؟
- ⑩ تکذیب کنندگان اهل بیت علیهم السلام در روز قیامت به چه صورت محسور خواهند شد؟

بر اساس این روایت، می توان بر کسانی که منکر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هستند کافر اطلاق کرد؛ زیرا حارث بن نعمان فردی مسلمان و موحد بود و نبوت و فروع دین را قبول داشت؛ اما به علت انکار ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، قرآن کریم در مورد او کلمه «کافر» را به کار برده است. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من کذب علینا أهل البيت، حشره الله يوم القيامة أعمى یهودياً وإن أدرك الدجال آمن به في قبره». هر که بر ما اهل بیت علیهم السلام دروغ بندد [ولایت ما را تکذیب کند] خداوند او را در قیامت به صورت کور و یهودی محسور خواهد کرد [و در آستانه ظهور] چون دجال را درک کند به او ایمان خواهد آورد.

(صفحه ۲۴ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:
- ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir